

## خروج آمریکا از برجام و تلاطم در اقتصاد ایران

امیر ساجدی<sup>۱</sup>

استادیار و عضو هیات علمی گروه علوم سیاسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی، تهران، ایران

سیناز ساجدی

مدیر گروه دانش شاخص بازار سرمایه

(تاریخ دریافت ۹۷/۹/۴ - تاریخ تصویب ۹۸/۶/۱۷)

### چکیده

بسیاری از افراد و شرکت‌ها، تصمیمات اقتصادی خود را بر مبنای تحولات و تغییرات سیاسی اتخاذ می‌کنند. در این مقاله سعی گردیده تا به بررسی یک رویداد سیاسی مهم یعنی خروج آمریکا از برجام و تأثیر آن بر بازار سرمایه ایران پرداخته شود. با خروج آمریکا از برجام و تهدیدهای آمریکا مبنی بر از سرگیری تحریم‌ها، اقتصاد ایران دچار نابسامانی و تغییر و تحول‌های شدیدی شده است که این مسئله به وضوح در روزهای قبل و بعد از زمان از سرگیری تحریم‌ها در بازارهای مالی ایران مشاهده می‌شود. ما در این پژوهش برآنیم تا تغییرات ناشی از خروج آمریکا از برجام و تأثیرگذاری آن بر اقتصاد وابسته نفتی و بازارهای مالی ایران را بررسی نموده و با استفاده از روش‌های گارچ چند متغیره سرایت و شدت تلاطم در اقتصاد ایران بخصوص بازارهای مالی ایران را تجزیه و تحلیل نمایم. در این راستا از مدل گارچ چند متغیره (DCC) و رویکرد تجزیه واریانس برای بررسی اثر این رویدادها بر شاخص بورس تهران استفاده می‌شود.

**واژه‌های کلیدی:** وابستگی اقتصادی، خروج آمریکا از برجام، تحریم اقتصادی، گارچ چند متغیره، شدت تلاطم در اقتصاد ایران.

---

Email: amir\_sajedi2001@yahoo.com

<sup>۱</sup> نویسنده مسئول

فصلنامه مطالعات روابط بین الملل، سال دوازدهم، شماره ۴۶، تابستان ۱۳۹۸، صص. ۱۲۳ - ۱۵۵.

## مقدمه

در عصر کنونی، تحولات بین‌المللی و جهانی شدن اقتصاد (وابستگی اقتصادی) برای کشورهای در حال توسعه، موجب ایجاد فرصت‌ها و به تبع آن هزینه‌هایی می‌شود. استفاده از تحولات بین‌المللی بستگی به این دارد که کشورها چگونه از فرصت‌ها و امکانات بین‌المللی بهره‌مند شده و هزینه‌های آن را به حداقل می‌رسانند. کشور ایران نیز همانند بسیاری از کشورهای دیگر که مسائل سیاسی و اقتصادی با تحولات بین‌المللی در هم گره خورده، اقتصادش تحت تأثیر عوامل و مسائل سیاسی بین‌المللی می‌باشد. این تأثیرگذاری در اقتصاد ایران بخصوص در بازار سرمایه ایران به وضوح قابل مشاهده است چرا که تغییرات شاخص سهام در ایران بعد از رویدادهای سیاسی مهم مانند خروج امریکا از برجام، شاهدی معتبر بر این ادعا می‌باشد. برای درک بهتر از این وضعیت، ما با مدل‌سازی برای تغییرات و نوسانات اقتصادی می‌توانیم تا حدودی با پیش‌بینی تلاطم و نوسان در بازار ایران یک پرتوی متنوعی تشکیل دهیم تا در هنگام رویدادهای سیاسی مهم تا حد ممکن بتوان بروز مسائل مالی و اقتصادی را ارزیابی نمود.

نگاهی گذرا به داده‌های مالی نشان می‌دهد بازده‌ها در برخی از دوره‌های زمانی، پریسک‌تر از دیگر افاق‌های زمانی هستند. در این صورت با پدیده تلاطم یا نوسان بازده دارایی‌ها مواجه هستیم که به آن ناهمسانی واریانس بازده‌ها می‌گویند. همچنین درجه‌ای از خودهمبستگی در بازارهای مالی پریسک وجود دارد که در مدل‌های ساده بیان نمی‌شود. انگل مدل خودرگرسیون ناهمسانی واریانس شرطی (آرچ)\* را ارائه داد که بازده یک سری زمانی در طول یک دوره خاص را بررسی می‌کند. اما بولرسلو مدل انگل را با روشی گسترش داد که واریانس شرطی را در فرایند مدل خود همبسته میانگین متحرک (آرما)\*\* بیان می‌کند. مدل تعمیم‌یافته آرچ، مدل خودرگرسیون ناهمسان واریانس شرطی تعمیم یافته یا گارچ\*\*\* نامیده می‌شود که خودرگرسیونی و میانگین متحرک را همزمان در ناهمسانی واریانس به کار می‌گیرد. ترکیب غیرخطی از چندین مدل گارچ یک مدل جدید به وجود آورد که این مدل ناهمسانی واریانس و سرایت تلاطم را میان چند بازار نشان

میدهد، این مدل که گارچ چند متغیره\*\*\*\* نام دارد برای مطالعه ارتباط بازارها و تهیه پرتفو بهینه و متنوع برای کاهش ریسک به کار می‌رود. مدل همبستگی شرطی پویا\*\*\*\* یکی از انواع مدل گارچ چند متغیره می‌باشد که ناهمسانی شرطی واریانس را در طول زمان متغیر در نظر می‌گیرد که این امر باعث پویایی مدل و واقعی‌تر شدن آن می‌شود. در این مقاله نیز از این روش برای بررسی ارتباط بین نرخ ارز و شاخص سهام استفاده شده است.

از دیگر موارد بررسی در این مقاله، اندازه‌گیری شدت سرایت تلاطم قبل و بعد از یک رویداد سیاسی می‌باشد تا با مقایسه این شدت به تأثیرگذاری وقایع سیاسی پی برده شود تا برای چینش یک پرتو بهینه علاوه بر مسائل مالی و اقتصادی، مسائل سیاسی نیز مدنظر قرار بگیرد. برای تخمین این روش از رویکرد تجزیه واریانس در طول دو بازه زمانی مورد بررسی استفاده می‌شود. تحلیل واریانس\*\*\*\*، مجموعه‌ای از مدل‌های آماری است که به بررسی میانگین در گروه‌ها و توابع وابسته به آنها مثل واریانس، در یک گروه یا بین چند گروه و در اینجا بین دو بازه زمانی می‌پردازد و نتایج مرحله قبل یعنی سرایت تلاطم در هر دو بازه میزان شدت‌شان سنجیده و با یکدیگر مقایسه می‌گردند.

ما در این مقاله ابتدا مشخص می‌کنیم که آیا بین بازار نرخ ارز (دلار) و بازار سهام ایران (شاخص بورس اوراق بهادار) سرایت تلاطم وجود دارد یا خیر؟ که برای این کار از مدل همبستگی شرطی پویا بهره خواهیم گرفت. سپس یک رویداد سیاسی مهم یعنی انتخابات ریاست جمهوری آمریکا را در نظر گرفته و شدت سرایت تلاطم قبل و بعد از پیروز شدن ترامپ در انتخابات آمریکا که اندازه گفته می‌شود را مورد بررسی قرار می‌دهیم. سرانجام شدت‌های سرایت تلاطم را با یکدیگر مقایسه کرده و در نهایت به تحلیل تأثیرگذاری عوامل و رویدادهای سیاسی بر عوامل اقتصادی و مالی در ایران پرداخته می‌شود.

### پیشینه پژوهش

پژوهش‌های مختلفی در زمینه سرایت تلاطم بین بازارهای مالی انجام شده است. در چند سال اخیر بسیاری از این تحقیقات با مسائل سیاسی در هم تنیده‌اند و باعث به وجود آمدن موضوعات جدید و جذابی شده است که به برخی از آنها اشاره می‌شود.

جوزه آلبرتو کندلاریا<sup>۱</sup> به بررسی سرایت تلاطم بین بازده بازارهای آمریکای لاتین در خلال دو بحران اقتصادی پرداخت و با استفاده از روش همبستگی شرطی پویا نشان داد که این بحران‌های مالی و سیاست‌های انتخابی بر نوسانات بین این بازارها تأثیر گذاشته و سرمایه‌گذاران برای سرمایه‌گذاری امن باید بحران‌های مالی و سیاسی را توأمآ مد نظر قرار دهند (Candelaria, 2009). کامل ناوی و همکاران<sup>۲</sup> با استفاده از روش همبستگی شرطی پویا به بررسی سرایت تلاطم بین بازارهای نوظهور و بازار سهام آمریکا پرداختند و نشان دادند که این سرایت و همبستگی در دوران بحران‌های اقتصادی که بعضاً ناشی از تصمیمات سیاسی است، شدت بیشتری دارد (Naoui, 2010). اینچنگ هوان و همکاران<sup>۳</sup> با استفاده از روش همبستگی شرطی پویا-گارچ چند متغیره به بررسی اثرگذاری فساد و سرایت تلاطم بین ۳۸ کشور پرداختند و نشان دادند وجود فساد حتی در بازارهای پیشرفته نیز وجود دارد و بر رابطه و سرایت نوسان بین بازارها تأثیر می‌گذارد.

آدم محمد رحیم و منصور مسیح<sup>۴</sup> به بررسی ناآرامی‌های سیاسی و تأثیر آن بر سرایت تلاطم بین بازارهای اسلامی آسیایی و بازار سهام آمریکا پرداختند، آن‌ها از داده‌های روزانه بازار سهام مراکش و شاخص داوجونز استفاده کردند و با استفاده از مدل DCC نشان دادند که بهتر است سرمایه‌گذاران کشورهای اسلامی در ناآرامی‌های سیاسی پرتفویی متنوع از سهام کشورهای مختلف داشته باشند و همچنین نتیجه گرفتند که ناآرامی‌های سیاسی بر ثبات بازار منطقه (کشورهای اسلامی) بسیار مؤثر است (Adam, 2014).

<sup>۱</sup> José Alberto Candelaria <sup>۲</sup> Kamel Naoui, Naoufel Liouane, Salem Brahim <sup>۳</sup> Inchang Hwang, Francis Heauck In, Tong Suk Kim

\*Auto Regressive Conditional Heteroskedasticity (ARCH) \*\*Auto Regressive Moving Average (ARMA) \*\*\*Generalized Auto Regressive Conditional Heteroskedasticity (GARCH) \*\*\*\*Multivariate Generalized Auto Regressive Conditional Heteroskedasticity (MGACH) \*\*\*\*\*Dynamic Conditional Correlation (DCC) \*\*\*\*\* Analysis of Variance (ANOVA)

<sup>۴</sup>Adam Mohamed Rahim and Mansur Masih <sup>۵</sup> Anna Janiga-Ćmiel <sup>۶</sup> Kazutaka Kurawawa

<sup>۷</sup>Dahiru A. Bala and Taro Takimoto

\*Vector-Garch (VEC) \*\*Baba-Engle-Kraft-Kroner (BEKK) \*\*\*Constant Conditional Correlation (CCC)

آنا جنگیا-کیمیل<sup>۱</sup> به بررسی سرایت تلاطم مضر(مخرب) بین چند کشور انتخابی اروپایی و لهستان پرداخت. او با استفاده از مدل همبستگی شرطی پویا-گارچ چند متغیره نشان داد که کشور لهستان از یکی از کشورهای عضو اتحادیه اروپا در توسعه اقتصادی، سرایت می-پذیرد. همچنین نشان داد که جفت‌های اقتصادی از جمله فرانسه و لهستان، بلژیک و لهستان، هلند و لهستان، دانمارک و لهستان وابستگی متقابل در توسعه اقتصادی دارند و توسعه اقتصاد در جفت‌های آلمان-لهستان و بریتانیا-لهستان به شدت همپوشانی دارد (Janiga-Ćmiel, 2016). کازوتاکا کراساوا<sup>۲</sup> در مقاله‌ای نشان داد که بازار ژاپن عمدتاً تحت تأثیر تغییرات سیاسی در ایالات متحده و ژاپن قرار دارد. این تحقیق، مدل همبستگی مشروط پویا چند متغیره یا همان DCC را برای تجزیه و تحلیل اثرات متغیر زمان عدم قطعیت سیاست، را به کار گرفت و نشان داد که بین نرخ ارز آمریکا و بازار سهام سرایت تلاطم وجود دارد که شدت این سرایت به تصمیمات سیاسی این دو کشور وابسته است (Kurasawa, 2016). داهيرو بالا و تارو تاکیموتو<sup>۳</sup> با استفاده از روش همبستگی شرطی پویا-گارچ چند متغیره به بررسی سرایت تلاطم بین بازارهای پیشرفته در بحران‌های مالی پرداختند. آن‌ها با استفاده از رویکرد تی-استیودنت اریب به بررسی شدت این بحران-های مالی پرداختند و نشان دادند که بازارهای مورد مطالعه از یکدیگر سرایت می‌پذیرند و این سرایت تلاطم در زمان بحران‌ها شدت می‌گیرد، لذا سرمایه‌گذاران باید این عوامل را در سیاست‌های انتخابی خود برای چینش پرتفو همواره مورد توجه قرار دهند. در داخل کشور نیز در زمینه گارچ چند متغیره و استفاده از روش همبستگی شرطی پویا کارهای متعددی صورت گرفته از جمله، ابونوری و عبداللهی به بررسی همبستگی بین بخش‌های مختلف بازار بورس ایران با استفاده از مدل‌های گارچ چند متغیره پرداخته‌اند. نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که بخش‌های مختلف از بازده‌های گذشته خود تأثیر می‌پذیرند. همچنین بر اساس

ضرایب آرچ و گارچ، انتقال نوسانات در میان بخش‌های مختلف به صورت مستقیم و غیرمستقیم دیده می‌شود (ابونوری و عبداللهی، ۱۳۹۱: ۱۶-۱). سید حسینی و ابراهیمی به بررسی سرایت تلاطم بین سه شاخص ایران، امارات متحده عربی، ترکیه و قیمت جهانی نفت پرداختند. در این تحقیق مدل گارچ برداری\* سرایت تلاطم از بازار امارات به بازار تهران را نشان داده، درحالی‌که این اثر به صورت معکوس یعنی از تهران به امارات مشاهده نشده است. داده‌ها توسط مدل بک\*\* نیز تخمین زده شدند که نتایج مانند مدل قبل بوده است اما با این تفاوت که در این مدل سرایت تلاطم از شاخص قیمت جهانی نفت به بازار تهران مشاهده نشد. همچنین نتایجی که از به‌کارگیری مدل همبستگی شرطی ثابت\*\*\* به دست آمد، وجود سرایت تلاطم از بازار جهانی نفت به بازار تهران را تأیید کرد (حسینی و ابراهیمی، ۱۳۹۲: ۹۷-۸۱). فیروز فلاحی و همکاران در مقاله‌ای به بررسی همبستگی بین بازار سهام، ارز و سکه در ایران با استفاده از مدل همبستگی شرطی پویا-گارچ پرداختند و نشان دادند که همبستگی شرطی زیاد بین بازده نرخ ارز و سکه طلا وجود دارد و با استفاده از روش بهینه‌سازی سبد دارایی مارکویتز به این نتیجه رسیدند که بهتر است بخش قابل توجهی از دارایی به سرمایه‌گذاری در بازار سهام اختصاص یابد (فلاحی، ۱۳۹۳). خطیب سمنانی و همکاران به بررسی اثرات نوسانات قیمت نفت خام ایران بر شاخص بازدهی بورس اوراق بهادار تهران پرداختند. نتایج به دست آمده عدم وجود سرایت مثبت و معنادار در بلندمدت و کوتاه‌مدت میان متغیرهای نوسانات قیمت نفت خام سنگین ایران و شاخص بازدهی بورس اوراق بهادار تهران را نشان می‌دهد و از سوی دیگر بر اساس نتایج مدل حزه خطای گارچ برداری\*، وجود رابطه بلندمدت و معکوس بین متغیرهای نامبرده می‌باشد (سمنانی، ۱۳۹۳: ۱۱۴-۸۹). مقدم و سزاوار به بررسی رابطه همبستگی شرطی بازارهای سرمایه بین‌المللی و بازار نفت با بورس اوراق بهادار تهران پرداختند. نتایج همبستگی شرطی ثابت و همبستگی شرطی پویا بین شاخص بورس تهران با سایر شاخص‌ها نشان می‌دهد که بیشترین همبستگی با شاخص بورس سهام نیویورک و نزدک (S&P) و کمترین میزان همبستگی با شاخص قیمت جهانی نفت می‌باشد (مقدم و سزاوار، ۱۳۹۵: ۲۱۳-۱۹۵).

فعلی در پایان نامه خود با استفاده از رویکرد تجزیه واریانس و مدل مارکوف سوئیچینگ به بررسی سرریز تلاطم از بازار نفت به چند صنعت مختلف پرداخت و شدت هرکدام از سرریزها را نیز اندازه‌گیری کرد تا قابل مقایسه با یکدیگر شوند که کدامیک تأثیرپذیرترند (فعلی، ۱۳۹۵).

### تعریف مفاهیم

برای درک و فهم بهتر این تحقیق ما از دو مفهوم دولت رانتیر و وابستگی اقتصادی بهره می‌بریم چراکه این دو مفهوم کمک می‌کنند تا بر جنبه‌های ویژه‌ای از واقعیت‌ها تمرکز کرده و تأثیر خروج آمریکا از برجام را بهتر و دقیق‌تر مورد بررسی قرار دهیم.

الف- مفهوم دولت رانتیر (تحصیلدار): رانت یک اصطلاحی است بر گرفته از علم اقتصاد که در مباحث سیاسی و اقتصادی کاربرد زیادی پیدا نموده است. در اصطلاح فرهنگی رانت به معنی اجاره‌ی زمین یا اجاره‌بها بوده و بطور کلی هرگونه درآمدی که حاصل کار و تلاش تولیدی نباشد، رانت نامیده می‌شود (طیبیان، ۱۳۷۱: ۳). اصطلاح رانت برای توصیف درآمدهایی که بسیار بالاتر از بازدهی معمولی است، بکار می‌رود. رانت درآمدی است که بدون تلاش زیاد به دست می‌آید و در مقابل مفاهیمی چون مزد و سودی است که در نتیجه تلاش و فعالیت اقتصادی باید کسب گردد (حسین‌خان، ۱۳۸۶: ۲۳-۲۱). آدام اسمیت رانت را نوعی خاصی از منابع درآمد می‌داند که با دیگر منابع درآمد همچون سود و دستمزد تفاوت دارد. این نوع درآمد بدون نیاز به صرف تلاش یا فعالیت مولد و ارزش افزا، نصیب فرد و یا گروه خاصی می‌گردد. اما در اقتصاد سالم سود و دستمزد در نتیجه تلاش مولد حاصل می‌گردد (میرترابی، ۱۳۸۷: ۱۱۳-۱۱۲). در مباحث اقتصاد سیاسی مفهوم رانت به معنی درآمدهایی است که دولت از منابع فروش مواد خام یا دریافت از منابع خارجی است که این درآمدها ارتباطی به فعالیت‌های تولیدی اقتصاد داخلی نداشته و از یک فعالیت مولد اقتصاد داخلی کسب نگردیده است. حازم ببلاوی رانت را مختص منابع طبیعی می‌داند و اظهار می‌دارد که منابع معدنی رانت را بوجود می‌آورد. برای استخراج مواد معدنی نیروی کار کمی به استخدام در می‌آیند و درآمد حاصل از فروش مواد معدنی در اختیار دولت قرار می‌گیرد. از

آنجائیکه عمده درآمد برخی از دولت‌ها از منابع معدنی یا منابع خارجی به شکل رانت می‌باشد اینگونه دولت‌ها به دولت‌های رانتیر معروف هستند (حاجی یوسفی، ۱۳۷۷: ۹۲). بیشتر دولت‌های خاورمیانه در اکثر حوزه‌های اقتصادی حضور دارند و آنها تسلط اقتصادیشان را بصورت گسترده نه تنها بر منابع طبیعی کشور بلکه بر دیگر بخش‌های اقتصادی شکل داده‌اند. از آنجائیکه در این کشورها رقابت به انحصار تبدیل گردیده، بدین سبب ما شاهد پدید آمدن دولت‌های رانتیر در این کشورها هستیم (ساجدی، ۱۳۸۹: ۱۰۸).

ب- مفهوم وابستگی اقتصادی: نظریه وابستگی بصورت جدی بیشتر در جامعه‌شناسی توسعه مطرح گردید. نظریات وابستگی به صورت عمده از اندیشه‌های پل باران در واپسین سال‌های دهه ۱۹۵۰ بیان گشت. شکست برنامه اکلامو و نیز بحران مارکسیسم در امریکای لاتین در دهه ۱۹۶۰، در شکل‌گیری نظریه وابستگی تأثیر بسزایی داشتند. معتقدان این نظریه اظهار می‌دارند که نظریه وابستگی، پاسخی انتقادی به نظریات آدام اسمیت است. مکتب اسمیت براین عقیده است که بازرگانی بین‌المللی موجب تخصیص شدن مناطق و کاهش تعرفه‌های گمرکی شده که نتیجتاً حداکثر امکانات را برای رشد اقتصادی فراهم می‌کند. نظریه وابستگی اظهار می‌دارد از آنجائیکه منابع طبیعی، اقلیم و عرضه نیروی انسانی در بین جوامع بطور نابرابر توزیع شده‌اند، پس هر کشوری باید در حول استعدادهای طبیعی خودش بصورت تخصیصی رشد تولیدی را کسب نماید. بدین ترتیب مبادلات بازرگانی بین‌المللی بصورتی شکل می‌گیرد که حداکثر قابلیت تولید را در زمینه اقلام معین، مواد خام و کالاها و خدمات تأمین نماید. بسیاری از نظریه‌پردازان وابستگی برخلاف نظریه آدام اسمیت اظهار می‌دارند که اقتصاد جهانی را نمی‌توان به عنوان یک نظام متشکل از طرف‌های برابر بازرگانی تصور نمود، چراکه برتری قدرت نظامی، اقتصادی و سیاسی جوامع صنعتی نابرابری شرایط مبادله را بر جوامع کمتر توسعه‌یافته‌ای که به صدور مواد خام و نیروی انسانی وابستگی دارند، تحمیل می‌نماید. جوامع صنعتی با تحمیل تولید اختصاصی مواد خام از جوامع کمتر توسعه‌یافته به جوامع توسعه‌یافته، نه تنها باعث وابستگی شدید آنها به صدور مواد خام شده بلکه در یک نظام نابرابر، مبادلات صادرکنندگان مواد خام را ناگزیر به وابستگی به بازار



جهانی و تن دادن به بی‌ثباتی در صادرات مواد خام می‌سازند. به عبارتی با توجه به وابستگی به صادرات مواد خام یا تک محصولی، اقتصاد این کشورها وابسته به تعیین بهای جهانی کالای مربوطه خواهد بود که همواره می‌تواند پیامدهای منفی برای آنها داشته باشد (ساجدی، ۱۳۹۲: ۱۸۳-۱۸۲). منتقدین نظریه وابستگی همچنین استدلال می‌کنند که ساختار نظام بین‌المللی اینگونه وابستگی شدید را در بخش‌های اقتصادی برای کشورهای ضعیف بوجود آورده و بدین سبب فرصت‌های توسعه برای کشورهای توسعه‌نیافته از بین رفته و مانع بزرگی در روند پیشرفت و توسعه آنها ایجاد می‌نماید. تمرکز این مکتب بر این پایه استوار است که نباید توسعه کشورهای جهان‌سومی به صورت انتزاعی و جدا از توسعه کشورهای پیشرفته در نظر گرفت بلکه می‌بایست کلیه کشورهای جهان را به منزله یک نظام واحد در نظر گرفت تا پیشرفت و توسعه برای تمامی کشورها تحقق پیدا نماید. (خالدی، ۱۳۹۳).

پ- وابستگی متقابل: در پاسخ به منتقدین نظریه وابستگی اقتصادی، بسیاری از اقتصاددانان و نویسندگان راهکار نظریه پیوستگی متقابل را ارائه داده‌اند که می‌تواند پاسخی منطقی به انتقادات نظریه وابستگی باشد. آنها معتقدند که وابستگی متقابل اقتصادی واحدهای ملی روندی است که با جهانی‌شدن گسترش یافته و تکمیل شده و وابستگی متقابل اقتصادی با تحول مفهومی به سمت پیوستگی حرکت نموده و تا بحال بسیاری از موانع تجارت را از میان برداشته است. ریچارد کوپر بر بعد اقتصادی وابستگی متقابل تأکید و آن را حساسیت تعاملات اقتصادی میان دو یا چند دولت به تحولات اقتصادی درون آن دولت‌ها می‌داند (مشیرزاده، ۱۳۸۶: ۴۶). ورود به جرگه وابستگی متقابل دارای لوازمی است. این لوازم از میزان توسعه داخلی ناشی شده و چنانچه توسعه در داخل به اندازه لازم و مکفی ایجاد نشده باشد، این کشور بصورت وابسته یکطرفه عمل می‌کند که همواره تحت تأثیر دیگران قرار می‌گیرد (سیف زاده، ۱۳۸۵: ۱۳۶). حاکمیت اصل وابستگی متقابل بر روابط نظام اقتصاد سیاسی و بین‌المللی و ویژگی‌های آن در توسعه نظام واحد لیبرال و از میان برداشتن مرزهای اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و ایدئولوژیک زمینه‌های عمده فرآیند جهانی شدن را به‌دنبال داشته و امروزه به‌عنوان مهم‌ترین ویژگی نظام اقتصاد سیاسی جهانی

محسوب می‌گردد. با بروز پدیده جهانی شدن اقتصاد و از میان برداشته شدن بسیاری از موانع تجارت، زمینه نقل و انتقال سرمایه و منابع انسانی و فن‌آورانه گسترش پیدا کرده و بسترهای زیادی برای همکاری و بهره‌جویی از ظرفیت‌های مشترک در راستای بیشینه‌سازی منافع مهیا شده است. در فضای جهانی شدن، روند وابستگی متقابل اقتصادی کشورها رو به فزونی نهاده است و دولت‌ها و دیگر بنگاه‌های اقتصادی برای رشد و بهره‌وری بیشتر به گسترش مناسبات اقتصادی ورای مرزها روی آورده‌اند تا جایی که وابستگی جای خود را به پیوستگی داده است. در میان اندیشمندان و صاحب‌نظران درباره وابستگی متقابل اقتصادی دیدگاه‌های متفاوتی شکل گرفته است و هر کدام از دریچه‌ای خاص به این مقوله نگریسته‌اند. نظریه وابستگی متقابل ناظر بر بایسته‌های ایجاد بستری برای پویش همگرایی بین‌المللی است زیرا بهره‌جویی از سرمایه‌های انسانی مشترک علمی، فنی و اندیشه‌ای و پویشی مربوط به درون و بیرون قلمروهای ملی است. از این‌رو در چارچوب نگرش و عملکرد تعاملی است که می‌توان به داشته‌ها و تجربه‌های دیگر کشورها دست یافت. در عرصه واقعیت، کشورهایی که رشد قابل توجهی دارند، کشورهایی هستند که از روابط و مناسبات گسترده بین‌المللی در عرصه‌های گوناگون سیاسی، اقتصادی و علمی سود جست‌ه‌اند که برای نمونه می‌توان به وضعیت اقتصادی دو کشور چین و کره جنوبی اشاره نمود. البته ذکر این نکته ضروری است که دولت‌ها هرچه سنتی‌تر و بسته‌تر باشند شرایط تطبیق آنها با جهانی شدن سخت‌تر خواهد بود و وابستگی متقابل به راحتی نمی‌تواند پویش همگرایی بین‌المللی لازم را برای آنها فراهم آورد. چراکه جهانی شدن و وابستگی متقابل، اقتصاد کشورها به‌ویژه قدرت‌های اقتصادی را چنان به یکدیگر گره زده که بروز یک رکود اقتصادی در یک کشور به سرعت به دیگر کشورها تسری می‌یابد و اقتصاد کشورهای صادرکننده مواد خام بیش از دیگران متأثر از این نوع تلاطم‌ها می‌گردد. برای مثال وابستگی شدید اقتصاد کشورهای صادرکننده نفت به این کالا، ضعف بزرگی برای آنها محسوب می‌شود و شرایطی را ایجاد می‌کند که اقتصاد آنها تحت تأثیر نوسانات بهای نفت قرار گیرد و یا قدرت‌های تأثیرگذار با تمرکز بر این عامل حیاتی

اقتصادی آنها قادر هستند از راه‌های مختلف (مانند تحریم) صادرات نفتی این کشورها را در زمان مقتضی کاهش داده و اقتصاد آنها را در تلاطم قرار دهند.

### وابستگی اقتصاد ایران به نفت:

امروزه اهمیت نفت بر هیچ یک (صادر و مصرف کننده) پوشیده نیست. نفت به‌عنوان یک کالای استراتژیک بر رشد اقتصاد کشورهای نفت خیز و وارد کننده این کالا تأثیر بسزایی گذاشته به‌گونه‌ای که موضوع امنیت انرژی به‌عنوان یکی از مهمترین موضوعات مهم در نظام بین‌الملل به‌ویژه بین کشورهای توسعه‌یافته و در حال توسعه مطرح شده است. وابستگی دنیای امروز به نفت از چند جهت مهم می‌باشد. نفت برای کشورهای صنعتی تولید انرژی می‌نماید و منبع درآمد و ثروت برای کشورهای صادر کننده نفت می‌باشد. این ماده خام دارای ارزش زیادی است بطوریکه هزاران ماده و مشتقات از آن بدست می‌آید که برای نمونه می‌توان به پتروشیمی که یک صنعت بزرگ سودآور است، اشاره نمود. نفت همچنین عاملی برای کسب قدرت و پرستیژ برای کشورهای دارنده شده و گهگاهی نیز عامل منازعه و رقابت در صحنه جهانی گردیده است (میرترابی، ۱۳۹۱: ۲۴). به سبب وابستگی زیاد اقتصاد کشور ایران به نفت، این ماده شاه‌رگ اقتصادی ایران و بسیاری از کشورهای صادر کننده این ماده فسیلی می‌باشد.

درآمد بالای نفت باعث گردیده تا نظام اقتصادی کشورهای صادر کننده نفت تا حدود زیادی بسوی تک‌محصولی شدن و وابسته به شرایط اقتصادی بازار جهانی باشد. از تاریخ استخراج نفت به‌صورت تجاری (۱۹۰۸م) در ایران تا به امروز یکصد و ده سال می‌گذرد و این ماده هنوز به‌عنوان موتور محرک اقتصاد ایران قلمداد می‌شود. نقش نفت نه تنها در مسائل اقتصادی بلکه در موارد دیگر مانند امنیت کشور و وابستگی ماشین‌های صنعتی، جنگی، لجستیکی و دیگر نیروها به این انرژی کاملاً هویدا است. در هر دو نظام (پهلوی و جمهوری اسلامی) نفت مهمترین و کلیدی‌ترین صنعت در ایران ایفای نقش کرده است. در اواخر ماه‌های منتهی به انقلاب ۱۳۵۷ با اعتصاب کارگران حوزه‌های نفتی اقتصاد ایران، یکی از بزرگترین صادر کننده نفت جهان فلج گردید و بهای جهانی نفت دوباره بعد از شوک

نفتی ۱۹۷۴ دچار هرج و مرج ناشی از قطع صدور نفت ایران گردید و به بیش از دو برابر افزایش یافت (رضوی، ۱۳۸۰: ۱۲۳). به عبارت دیگر اقتصاد ایران، دومین صادر کننده نفت جهان با بسته شدن شیرهای لوله‌های نفتی و عدم صدور این ماده به خارج از کشور دچار ضربه شدیدی گردید. شدت اثر این ضربه اقتصادی در سخنان سفیران امریکا و شوروی به روشنی نشان از این واقعیت داشت، یعنی زمانیکه آنها اظهار داشتند "فلج کننده‌ترین شیوه انقلاب اسلامی در بُعد مادی و اقتصادی، اعتصابات بوده و تعیین کننده‌ترین آنها اعتصابات صنعت نفت بود که منجر به قطع صادرات نفت و افتادن کنترل آن به دست انقلابیون شد. همین امر موجب نوامیدی شاه گردید و افکار عمومی جهان متوجه شد که انحصار قدرت شاه در ایران از هم پاشیده است" (نجاتی، ۱۳۷۱: ۱۷۵). این اظهار نظر بخوبی نشان می‌دهد که تا چه اندازه اقتصاد ایران در دوره پهلوی وابسته به نفت بود. متأسفانه این وابستگی نفتی بعد از انقلاب نیز کاهش نیافته چراکه حدود هفتاد درصد بودجه دولت‌های مختلف در سال‌های بعد از انقلاب همچنان وابسته به درآمدهای نفتی می‌باشد. (دوماهنامه سیاسی، ۱۳۸۶).

وجود نفت در ایران باعث پدید آمدن دولت رانتیر و جامعه رانت‌جو گردیده که هر دو ماهیت ضد توسعه دارند. سایه افکندن اندیشه و روحیه رانت‌جویانه بر دولت و جامعه ایران راه را برای بهره‌گیری هرچه بیشتر از منابع نفتی باز نموده است که این وضعیت باعث می‌گردد تا اقتصاد ایران همچنان در چنگال نفت و مشتقات آن قرار گیرد. نفت در طول تاریخ ایران مانع بزرگی در راه توسعه بخش‌های مولد درونی عمل کرده و بیشتر به نیازهای بازار جهانی پاسخ داده است. با وجود تمامی اظهارات مقامات جمهوری اسلامی مبنی بر رهایی از وابستگی نفتی بایستی اقرار نمود که این وابستگی نفتی تا به امروز ادامه داشته و این درآمد نفتی در رگ و پی اقتصادی، سیاسی و اجتماعی این کشور در هم تنیده شده است. این شدت وابستگی به حدی است که با یک شوک نفتی در بازار بین‌المللی و یا یک تحریم اثربخش بر بخش نفتی ایران، اقتصاد این کشور دچار تلاطم می‌گردد. از آنجائیکه نفت شاه‌رگ حیات اقتصادی ایران بوده و وابستگی درآمدهای نفتی ایران مانند بسیاری از کشورهای

نفت خیز خاورمیانه، معضلی است که نه تنها عامل تهدیدی در اقتصاد تک محصولی بلکه امنیت ملی آنها بشمار می‌رود. یکی از معضلات کشورهای نفتی، بیماری هلندی است که اقتصاد این کشورها بدان دچار می‌شوند. بیماری هلندی به وضعیتی اطلاق می‌شود که در آن بدنبال استخراج زیاد یک منبع طبیعی مانند نفت و در نتیجه افزایش عواید هنگفت ارزی ناشی از صادرات آن، باعث افزایش قیمت در بخش کالا و خدمات شده و در نتیجه واردات شدت گرفته و قدرت رقابت و صادرات تولیدکنندگان کالا را در کشور نفتی تضعیف و نتیجتاً سهم شان را از بازار جهانی از دست می‌دهند. به عبارتی پول ملی بصورت غیر طبیعی افزایش یافته و عملکرد صادرات کشور در خصوص کالاهای دیگر کاهش می‌یابد. برای مثال در بیشتر سال‌های دولت نهم و دهم بهای نفت بسیار بالا رفت و تا مرز بشکه‌ای ۱۴۸ دلار هم رسید و خزانه دولت از ارز پر گشت. بر اساس آمارها کل درآمدهای نفتی ایران از سال ۱۳۶۰ تا سال ۱۳۹۲ برابر با ۱۰۱۰/۹۲ میلیارد دلار بوده که سهم درآمد دوره (هشت سال) دولت احمدی‌نژاد از این ۳۱ سال بیش از ۵۷٪ بوده است. اما این درآمد رؤیایی در دو دوره دولت احمدی نجات نتوانست، با این حجم از درآمدهای نفتی، رشد و توسعه اقتصادی کشور را بهبود ببخشد. چراکه درآمدهای افسار گریخته نفتی با عدم مدیریت صحیح بیشتر به واردات اختصاص یافت و تولیدات صنعتی و حتی کشاورزی در این دو دوره با مشکلات عدیده‌ای مواجه گردیدند. این درآمد هنگفت نفتی در این دوره باعث گردید تا بیماری هلندی اقتصاد ایران تشدید گردد. تبعات تشدید بیماری در اقتصاد ایران در دوره دولت نهم و دهم جمهوری اسلامی منجر به افزایش نرخ تورم و کاهش فعالیت‌های تولیدی و به دنبال آن افزایش نرخ بیکاری که همگی آنها منجر به کاهش نرخ رشد اقتصادی و تخریب زیرساخت‌های صنعتی اقتصاد گردید. بعلاوه تا این اندازه وابستگی نفتی به‌وضوح نشان می‌داد که در قبال تحریم‌های نفتی، اقتصاد و امنیت ملی ایران بشدت تحت تأثیر قرار می‌گیرد.

**تحریم اقتصادی ایران:** تحریم به معنی امتناع نظام‌یافته از برقراری اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و نظامی یک دولت و یا گروه برای تنبیه یا ایجاد تغییر در رفتار تحریم شده برای

رسیدن به یک رفتار قابل قبول می‌باشد (فیضی، ۱۳۹۳: ۱۷۶). امروزه کاربرد تحریم بیشتر در روابط اقتصادی بین‌المللی است که کالا و خدمات تولید یک دولت خاص را مورد تحریم قرار می‌دهد. این تحریم بعضی مواقع می‌تواند شامل تمامی کالاها باشد (ایوانز، و نونام، ۱۳۸۱: ۱۱۰). هافبار و اسکات اظهار می‌دارند که تحریم اقتصادی به معنی حذف آگاهانه و با خواست دولتی و یا تهدید به حذف روابط تجاری و مالی است (ولی‌زاده، ۱۳۹۰: ۳۵۱). تحریم زمانی بیشتر مؤثر واقع می‌گردد که یک قدرت بزرگ اقتصادی و یا مجموعه‌ای از چندین قدرت باهم آن را به اجرا گذارند.

ایالات متحده آمریکا به‌رغم افول قدرت نسبی هژمونیک بعد از یازده سپتامبر ۲۰۰۱، هنوز قدرتمندترین بازیگر نظام اقتصاد سیاسی بین‌الملل بوده و در بسیاری از عوامل، ساختارهای قدرت داخلی آن نقش جهانی ایفا می‌کند. بر اساس آمار بانک جهانی که در سال ۲۰۰۸ انتشار یافت، سهم تولید ناخالص ملی (GDP) آمریکا در اقتصاد جهانی در سال ۲۰۱۷ معادل ۲۴,۴٪ می‌باشد. با یک نگاه اجمالی به آمار اقتصاد جهانی به‌روشنی تسلط و نفوذ آمریکا در اقتصاد جهانی را می‌توان دریافت.



در شرایطی که شرکت‌های بزرگ نفتی از انجام معاملات نفتی با ایران سر باز می‌زدند، شرکت نفت ایران به‌ناچار مجبور می‌گشت تا با شرکت‌های درجه دو و با تکنولوژی پایین‌تر مانند شرکت نفت چین یا پتروناس مالزی و با دادن امتیازات بیشتر از حد معمول با آنها وارد معامله گردد. چراکه در سال ۱۹۹۹ وضعیت ریسک ملی در ایران بسیار بالا و در رتبه بعد از عراق و سودان قرار داشت (نصری، ۱۳۸۰: ۱۳۸-۱۳۴). گرچه برخی از شرکت‌های معتبر دنیا مانند توتال فرانسه به همکاری نفتی با ایران تحت شرایط خاص (ریسک بالا) ادامه دادند ولی ایران هیچ زمانی نتوانست آن مقدار سرمایه‌گذاری لازم را از طرف اینگونه شرکت‌ها برای انجام بهره‌برداری از چاه‌های نفتی دریافت نماید. از آنجائی که صنعت نفت پایه‌ای‌ترین بخش اقتصاد ایران می‌باشد، پس همواره این بخش از اقتصاد ایران مورد نظر تحریم‌های اقتصادی کشورهای تحریم‌کننده می‌باشد. این وابستگی اقتصادی ایران همیشه این امکان را به کشورهای بزرگ تحریم‌کننده می‌دهد تا با استفاده از این پاشنه آشیل، اقتصاد ایران را دچار تلاطم نمایند. با روی کار آمدن دولت نهم (محمود احمدی‌نژاد) در سال ۱۳۸۴ و یک سلسله اقدامات هسته‌ای در ایران بخصوص راه‌اندازی مجدد مجتمع UCF اصفهان، حساسیت‌ها نسبت به پرونده هسته‌ای ایران در غرب تشدید شد (سلطانی نژاد، ۱۳۹۴: ۱۸۳). ایالات‌متحده در سال ۱۳۸۴ با فشار دیپلماتیکی خود بر شرکت‌های نفتی بزرگ باعث گردید تا شرکت‌هایی مانند توتال و شل در اجرای پروژه‌های خود در ایران تأخیر ورزند و بعد از مدتی بانک‌های اروپایی نیز از تأمین منابع مالی برای عملیات و توسعه استخراج نفت سر باز زدند. در این دوره شرایطی بوجود آمد تا دولت ایران مجبور شود با شرکت‌های نفتی که از تکنولوژی پایین‌تری برخوردار هستند (روسی و چینی) برای توسعه صنعت نفت قراردادهایی منعقد نماید تا از اثر تحریم‌ها بکاهد. این تحریم‌ها باعث افول قدرت ایران در اوپک، تقلیل رقابت بین سرمایه‌گذاران خارجی در ایران، گران‌تر شدن پروژه‌های نفتی، مشکل انتقال تکنولوژی، کمبود تجهیزات به‌روز به‌ویژه تجهیزات دریایی و ترس بخش خصوصی نسبت به سرمایه‌گذاری به دلیل مجازات تحریم‌کنندگان گردید. غنی‌سازی اورانیوم و فعالیت مجدد سایت نطنز باعث گردید تا شورای حکام پرونده هسته‌ای



ایران را به شورای امنیت ارجاع دهد. شورای امنیت نیز با صدور قطعنامه ۱۶۹۶ از ایران درخواست نمود تا هرچه زودتر غنی‌سازی خود را تا تاریخ ۹ شهریور ۱۳۸۵ به حالت تعلیق درآورد. درگیری‌های دولت ایران با شورای حکام و تحریم‌های مختلف باعث التهاب ارزی بیشتری در دو سال آخر ریاست جمهوری احمدی‌نژاد شد که منجر به کاهش ارزش پول ملی ایران تا مرز یک‌سوم گردید. این امر نشان داد دولت احمدی‌نژاد حتی با درآمدهای زیادی که در دوره ۱۳۸۴ تا ۱۳۹۰ کسب کرده بود، نتوانست اقتصاد مبتلا به بیمار هلندی ایران را نجات دهد و در این دوره (تحریم‌ها)، نظام اقتصادی و پولی کشور ایران دچار تلاطم شدیدی گردید (دلور پور اقدم، ۱۳۹۶: ۵۰-۴۹). در این تلاطم اقتصادی فاصله طبقاتی در ایران گسترده‌تر گردید و رانت و رانت‌جویی بیش از هر زمان دیگر اثرات مخرب خود را در ایران بر جای گذاشتند.

### شکل‌گیری برجام و تأثیر آن بر بازار اقتصادی ایران

با روی کار آمدن دولت یازدهم (۱۳۹۲) با شعار اعتدال در داخل و سیاست تنش‌زدایی در منطقه و همچنین تعامل با جهان بسیاری امید براین داشتند که با مذاکره و گفتگو دولت آقای روحانی با قدرت‌های بزرگ تحریم‌کننده، از خصومت‌ها و تحریم‌ها کاسته و ایران از انزوا خارج شود. بدین منظور و برای رهایی از مشکلات اقتصادی و رکود تورمی که معیشت ملت ایران را با مشکلات زیادی مواجه کرده بود، دولت روحانی سعی نمود تا با استفاده از دستگاه دیپلماسی جمهوری اسلامی، به حل این مشکل بپردازد. بدین منظور پرونده هسته‌ای ایران به تیم وزارت امور خارجه به رهبری محمدجواد ظریف، وزیر امور خارجه سپرده شد (دریایی، ۱۳۹۴: ۱۳). پس از یک‌سری مذاکرات طولانی هیأت دیپلماسی ایران با نمایندگان ارشد ۵+۱ (روسیه، چین، آمریکا، فرانسه، انگلیس و آلمان) سرانجام بدنبال دو توافق موقت وین و لوزان در تیرماه ۱۳۹۴ (۱۴ ژانویه ۲۰۱۵) برنامه جامع اقدام مشترک (برجام) تحت عنوان توافق وین کسب گردید (شیرازی، ۱۳۹۴: ۳۸-۴). کسب برجام یک پیروزی بزرگ برای دولت حسن روحانی در داخل و خارج تلقی گردید. چراکه دیپلماسی دولت یازدهم توانسته بود مذاکرات هشت ساله ایران و اعضای ۵+۱ را از بن‌بست

خارج و مذاکرات مستقیم با نمایندگان ایالات متحده در غالب نشست‌های دو یا چند جانبه را برگزار نماید. با وجود اینکه برجام از طرف اصولگرایان در داخل و اسرائیل در خارج مورد انتقاد قرار گرفت ولی هنوز یک دستاورد بزرگ برای دولت روحانی محسوب می‌گشت. تحول اقتصادی ایران بعد از توافق هسته‌ای (برجام) هرچند آنقدری که انتظار می‌رفت گسترده و عمیق نبود ولی باعث گردیده بود تا ورود برخی از شرکت‌های خارجی به ایران امکان‌پذیر گردد. در عصر تحولات بین‌المللی و جهانی‌شدن و وابستگی اقتصادی کشورهای در حال توسعه، فرصت بهره‌مند شدن از امکانات بین‌المللی و سرمایه‌گذاری خارجی برای این کشورها تا حدود زیادی فراهم می‌شود. اقتصاد ایران نیز مانند بسیاری از کشورهای در حال توسعه با تحولات بین‌المللی گره خورده است. اما شدت عوامل و مسائل سیاسی بین‌المللی در اقتصاد ایران بسیار است. برای نمونه با یک نگاه به بازار سرمایه ایران می‌توان این مهم را دریافت که شاخص سهام در این کشور بعد از رویدادهای سیاسی مهم مربوط به ایران در صحنه بین‌الملل دچار تغییرات شگرفی می‌گردد. بسیاری بر این باور بودند که بدست آمدن برجام و ورود برخی از شرکت‌های خارجی به بازار اقتصادی ایران و همچنین تغییر اساسی که در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایجاد گردیده، دولت ایران سیاست تهاجمی خود را آرام آرام بکناری خواهد نهاد و سیاست تنش‌زدایی، اعتمادسازی و تعامل را در خاورمیانه و جهان دنبال خواهد نمود. در برجام آمده بود که ایران با انجام تعهدات هسته‌ای خود و ارائه اطلاعات مشخص به آژانس بین‌المللی انرژی اتمی راه را برای تعلیق تحریم‌های وضع شده از طرف شورای امنیت سازمان ملل باز خواهد نمود. ایران با انجام تعهدات خود توانست بسیاری از تحریم‌ها بخصوص تحریم‌های خرید نفت که مانع بزرگی برای خریداران نفت ایران محسوب می‌گشت را به حالت تعلیق در آورد. تصور بر این بود که با برداشته شدن تحریم‌های هسته‌ای شورای امنیت و تحریم‌های یک‌جانبه ایالات متحده، دولت ایران امکان دسترسی به حوزه‌های تجاری، مالی، فن‌آوری و انرژی را به راحتی کسب خواهد نمود. به علاوه دولت یازدهم با رفع تحریم‌ها می‌توانست تحول شگرفی را در صنعت هوایی و ایمنی برای ملت ایران به ارمغان آورد.

### پیروزی ترامپ در انتخابات و خروج آمریکا از برجام:

شعارهای تند ضد ایران و برجام در دوره کاندیداتوری دونالد ترامپ (کاندیدای جمهوری خواهان) آمریکا در انتخابات ۲۰۱۶ نشان از آن داشت که چنانچه او در آمریکا قدرت را بدست گیرد دولت حسن روحانی با مشکلات اقتصادی در داخل و انزوای سیاسی در ناحیه مواجه خواهد شد. ورود او به کاخ سفید و کنار گذاشتن سیاست مباحثات اوباما (با نظام جمهوری اسلامی ایران)، باعث خشنودی برخی از جناح‌های اصولگرا در داخل و شادی برخی از حکام منطقه‌ای گردید (ساجدی، ۱۳۹۷: ۲۵۱). چراکه توافق هسته‌ای برای برخی از کشورهای خاورمیانه (اسرائیل و عربستان) که نگاه مثبتی به اعمال ایران نداشتند، بسیار نگران‌کننده بود. از نظر این کشورها توافق هسته‌ای به ظاهر ترک رویکردی مواجه‌گرایانه نظام جمهوری اسلامی بوده که در پوشش این رویکرد بدنبال تعامل با غرب و برخی از دولت‌های منطقه‌ای خواهد بود و بدین سبب نقش بازیگری آنها را در خاورمیانه تحت تأثیر قرار خواهد داد. بزودی تحولات داخلی ایران (انتقادات اصول‌گرایان، فشار نظامیان، نشان دادن توان موشکی و نوشتن شعار نابودی اسرائیل بر روی آنها) و همچنین افزایش نیروهای نظامی ایران در سوریه و گسترش نفوذ در دیگر نقاط خاورمیانه باعث گردید تا این تصویر تعاملی جمهوری اسلامی ایران نزد دولتمردان آمریکائی خیلی زود رنگ ببازد و مجدداً سیاستمداران آمریکائی و اسرائیلی، نظام جمهوری اسلامی ایران را یک نظام تهاجمی در صحنه بین‌الملل معرفی نمایند.

با پیروزی ترامپ در انتخابات و بدست گرفتن کرسی قدرت، او سعی نمود تا با محول کردن خروج آمریکا از برجام به کنگره به یکی از شعارهای انتخاباتی خود عمل و کنگره را در این مسئله درگیر نماید. اما کنگره با طفره رفتن از این امر مهم، آنرا به خود ترامپ واگذار نمود. سرانجام در تاریخ ۱۸ اردیبهشت ۱۳۹۷ ترامپ خروج آمریکا را از برجام اعلام نمود که مورد انتقاد دولت روحانی و دیگر اعضای برجام قرار گرفت. با توجه به اقداماتی که در خصوص برجام و در عرصه سیاست بین‌الملل یعنی خروج آمریکا از آن صورت گرفت، نوسانات زیادی در اقتصاد مالی و پولی ایران بوجود آمد. برجام که یک توافق چند جانبه و

در سازمان ملل ثبت گردیده بود، باعث شده بود که درآمد نفتی ایران دوباره احیاء گردد و تأثیر فراوانی بر بخش اقتصادی ایران گذارد. اما با خروج آمریکا از برجام و تهدیدهای آمریکا مبنی بر از سرگیری تحریم‌ها، اقتصاد ایران دچار نابسامانی و تغییر و تحول‌های شدیدی شده است که این مسئله به وضوح در اوایل سال ۱۳۹۷ در بازارهای مالی ایران مشاهده شد. برای فهم بیشتر تغییرات ناشی از خروج آمریکا از برجام و تأثیرگذاری آن بر اقتصاد و بازارهای مالی ایران و سرایت تلاطم در این بازارها ما با استفاده از روش‌های گارچ چند متغیره و رویکرد تجزیه واریانس به بررسی آن‌ها می‌پردازیم و سپس با تجزیه و تحلیل آنها شدت سرایت تلاطم و نوسانات در بازارهای مالی و بورس ایران را نشان می‌دهیم.

### گارچ چند متغیره

مدل خودرگرسیون مشروط بر ناهمسانی واریانس<sup>۱</sup>

مدل خودرگرسیون مشروط بر ناهمسانی واریانس (آرچ)، اولین بار توسط انگل (۱۹۸۲) به عنوان یکی از مدل‌های غیرخطی برای سری زمانی مالی معرفی شد. از ویژگی‌های این مدل می‌توان به وابسته به زمان فرض کردن نوسانات بازده‌ها اشاره نمود.

مدل خود رگرسیون مشروط بر ناهمسانی واریانس تعمیم یافته<sup>۲</sup>

در برخی از کاربردهای مدل آرچ، معادلات واریانس شرطی با وقفه‌های نسبتاً طولانی مورد استفاده قرار می‌گیرند که تعیین ساختار وقفه‌ها برای جلوگیری از مشکل پارامترهای منفی در واریانس، لازم است تا بتوان فرآیندی با حافظه طولانی‌تر و ساختار وقفه انعطاف‌پذیرتر از رده<sup>۳</sup> آرچ انتخاب نمود. برای دستیابی به یک انعطاف‌پذیری بیشتر، یک تعمیم دیگر به صورت فرآیند آرچ تعمیم‌یافته توسط بولرسلو<sup>۴</sup> (۱۹۸۶) پیشنهاد شده است.

<sup>۱</sup> Autoregressive conditional heteroscedasticity

<sup>۲</sup> Generalized autoregressive conditional heteroscedasticity

<sup>۳</sup> Class

<sup>۴</sup> Bollerslev

مدل‌های خودرگرسیون مشروط بر ناهمسانی واریانس تعمیم‌یافته چند متغیره<sup>۱</sup> مدل‌های ترکیب خطی آرچ تک متغیره<sup>۲</sup>، ترکیب‌های خطی از چندین مدل تک متغیره هستند که هر یک لزوماً یک مدل استاندارد گارچ نمی‌باشند. اما مدل‌های ترکیب غیرخطی گارچ تک متغیره<sup>۳</sup> به محقق این امکان را می‌دهند تا به صورت مجزا، از یک طرف هر یک از واریانس‌های شرطی را مشخص کرده و از طرف دیگر، ماتریس همبستگی‌های شرطی را مشخص کند. در جدول شماره ۱ انواع مدل‌های گارچ چند متغیره که توسط باونز و همکاران<sup>۴</sup> دسته بندی گردیده‌اند.

جدول شماره ۱: انواع مدل‌های گارچ چند متغیره

تعمیم مستقیم مدل‌های گارچ متغیره بولرسلف	ترکیب خطی مدل‌های گارچ تک متغیره	ترکیب غیرخطی مدل‌های گارچ تک متغیره
VEC	Latent Factor (عوامل پنهان)	CCC
Bekk	Generalized Orthogonal Models (O-GARCH, GOGARCH) (مدل‌های تامیم یافته متعامد)	DCC
Factor Models		GDC
Flexible MGARCH		Copula-Garch Models (مدل‌های کاپولو گارچ)
Risk metrics		
Full Factor GARCH Models (مدل‌های عامل گارچ)		

مدل همبستگی شرطی پویا (DCC): با توجه به اینکه ثابت در نظر گرفتن همبستگی در طول زمان، شاید در برخی مواقع به دور از واقعیت باشد، مدل همبستگی شرطی ثابت (CCC) همیشه کاربردی نیست. بنابراین مدلی به وجود آمد که با متغیر در

<sup>۱۲</sup> Multivariate generalized autoregressive conditional heteroscedasticity

<sup>۱۳</sup> Linear combinations of univariate GARCH models

<sup>۱۴</sup> Nonlinear combinations of univariate GARCH models

<sup>۱۵</sup> Bauwens, Laurent and Rombouts

نظر گرفتن همبستگی در طول زمان، این مدل را بیشتر به واقعیت نزدیک کند. مدل همبستگی شرطی پویا، مدلی بود که با دارا بودن این شرایط، کاربردی‌تر به نظر می‌رسد و در این پژوهش نیز از این مدل استفاده شده است. برآوردهای گوناگونی از مدل همبستگی شرطی پویا وجود دارد ولی یکی از پرکاربردترین آن‌ها مدل انگل در سال ۲۰۰۲ است. مدل همبستگی شرطی پویا شبیه به مدل همبستگی شرطی ثابت است با این تفاوت که در آن همبستگی در طول زمان متغیر است.

مدل همبستگی شرطی پویا یکی از معتبرترین مدل‌هایی است که در رابطه با مدل‌سازی پارامترهای همبستگی‌های متغیر با زمان برای پورتفولیو چند متغیره معرفی شده است. این مدل سهولت تخمین مدل همبستگی شرطی ثابت را حفظ می‌کند و همچنین همبستگی‌ها را در طول زمان متغیر در نظر می‌گیرد. مدل همبستگی شرطی پویا ماتریس واریانس-کوواریانس قطعی ثابت را در هر لحظه از زمان ایجاد می‌کند.

### رویکرد تجزیه واریانس

اندازه‌گیری شدت سرریز در این پژوهش با استفاده از رویکرد تجزیه واریانس پیشنهاد شده توسط دیبولد و ییلماز (۲۰۱۲) صورت گرفته است. این رویکرد مبتنی بر تجزیه  $H$  گام به جلو واریانس خطای پیش‌بینی<sup>۱</sup> برای هر  $N$  متغیر موجود در خودرگرسیون برداری  $N$  متغیره می‌باشد. در رویکرد مذکور این امکان فراهم می‌شود که بخشی از واریانس خطای پیش‌بینی متغیر  $i$  را که می‌تواند به شوک‌های ناشی از متغیر  $j$  نسبت داده شود مورد بررسی قرار گرفته و با جمع زدن این آثار، شاخص سرریز را محاسبه نمود. سرایت در بازارهای مالی اشاره به این دارد که یک زیان در یک دارایی، یا مجموعه‌ای از دارایی‌ها و یا یک کشور منجر به افزایش ریسک در سایر دارایی‌ها و یا کشورهای دیگر شود (برنر و همکاران، ۲۰۰۹).<sup>۲</sup> در تحلیل سرریزها مناسب خواهد بود که اثرات مستقیم از سوی (یا به‌سوی) یک بازار خاص نیز مورد بررسی قرار گیرد.

<sup>۱۴</sup> The H-step-ahead forecast-error variance decomposition

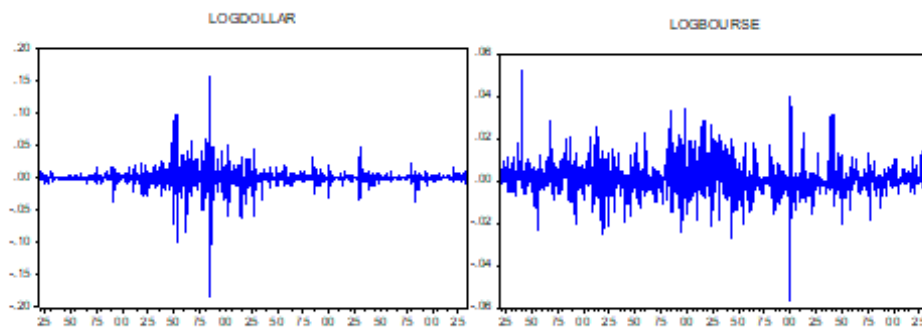
<sup>۱۵</sup> Branger et al

$$DS_i^g(H) = DS_{i \rightarrow j}^g(H) - DS_{i \leftarrow j}^g(H)$$

مقادیر مثبت شاخص سرریز خالص دلالت بر وجود آثار سرریز از سوی بازار  $i$  به سایر بازارها دارد درحالی که مقادیر منفی آن بیانگر این است که بازار  $i$  دریافت کننده آثار سرریز است (دیبولد و ییلماز، ۲۰۰۸).

### تخمین مدل

در این پژوهش ما ابتدا به بررسی سرایت نوسان از بازار ارز به بازار سهام ایران پرداخته که برای این منظور از داده‌های سال ۱۳۸۸ تا ۱۳۹۷ مورد استفاده قرار داده و سپس شدت سرایت تلاطم را در دو بازه‌ای که در قبل و بعد از انتخابات ریاست جمهوری آمریکا را اندازه و مقایسه می‌نمائیم. همچنین بازه زمانی مورد بررسی شامل ۲۰۷۰ داده در نظر گرفته شده است. برای بررسی عملکرد و فهم بهتر نحوه تأثیرگذاری بر یکدیگر، بازده لگاریتمی دو شاخص از فرمول  $\ln\left(\frac{r_t}{r_{t-1}}\right)$  محاسبه و مدنظر قرار گرفته شد. در این فرمول  $r_t$  بیانگر قیمت در زمان  $t$  و  $r_{t-1}$  بیانگر قیمت در یک دوره قبل است. روند تغییرات بازده دو سری زمانی در شکل (۱) نشان داده شده است.



شکل ۱. بازده لگاریتمی شاخص کل بازار سهام تهران و قیمت دلار

مشخصات آماری سری زمانی لگاریتم شاخص کل بورس تهران و نرخ ارز (دلار آمریکا و ریال ایران) از فروردین سال ۱۳۸۸ تا بهمن ۱۳۹۶ در جدول شماره ۲ نشان داده شده است.

## جدول شماره ۲. مشخصات آماری بازده لگاریتمی شاخص کل بازار سهام تهران و

## قیمت دلار

نوع شاخص	تعداد نمونه	میانگین	مینیمم	ماکزیمم	انحراف معیار	چولگی	کشیدگی	چارک برا
بازده بورس تهران	۲۰۷۰	۰.۰۰۱۲۱۹	-۰.۰۵۶۷۰۳	۰.۰۵۲۶۰۸	۰.۰۰۷۲۰۷	۰.۴۲۷۵۳۵	۸.۵۷۸۷۴۳	۲۷۴۰.۷۳۰
بازده قیمت دلار	۲۰۷۰	۰.۰۰۰۷۳۰	-۰.۱۸۳۳۲۲	۰.۱۵۷۷۹۷	۰.۰۱۲۸۳۱	۰.۵۶۲۴۳۶	۴۶.۹۹۲۸۰	۱۶۶۷۹۲.۴

میزان چولگی در هر دو سری زمانی را می‌توان ناچیز در نظر گرفت اما با توجه به میزان کشیدگی در هر دو سری زمانی می‌توان آن‌ها را دم‌پهن فرض نمود که این امر باعث می‌گردد تا توزیع‌های مورد استفاده در خصوص این سری‌ها را تی‌استودنت فرض نماییم. همچنین نتایج آزمون‌های دیکی فولر<sup>۱۸</sup> و فیلیپس پرون<sup>۱۹</sup> بر روی هر دو شاخص به شرح زیر می‌باشند:

## جدول شماره ۳. نتایج تست‌های مانایی شاخص کل بازار سهام تهران و نفت

نوع شاخص	نوع آزمون	مقدار آماره آزمون	مقدار P-Value	نتیجه آزمون
بازده بورس تهران	دیکی-فولر	-۱۹,۷۳۳۷۵	۰/۰۰۰۰	داده‌ها مانا می‌باشند
	فیلیپس-پرون	-۳۴,۶۱۱۲۲	۰/۰۰۰۰	داده‌ها مانا می‌باشند
بازده قیمت دلار	دیکی-فولر	-۳۶,۴۸۵۰۴	۰/۰۰۰۰	داده‌ها مانا می‌باشند
	فیلیپس-پرون	-۴۳,۸۲۳۹۶	۰/۰۰۰۰	داده‌ها مانا می‌باشند

سرایت تلاطم از قیمت دلار به شاخص بورس تهران با استفاده از مدل همبستگی شرطی پویا که از مدل‌های گارچ چندگانه می‌باشد، به صورت جدول شماره ۴ تخمین زده شده است.

<sup>۱۸</sup> Dickey-Fuller<sup>۱۹</sup> Phillips-peron



جدول شماره ۴. نتایج مدل DCC

پارامتر	همبستگی	انحراف معیار	آماره آزمون	احتمال
M(1,1)	۰۰۰۰۲۵/۰	۰۰۰۰۰۰/۰	۵۳۴۲۵۶/۲	۰۰۰۰/۰
M(1,2)	۰۰۰۰۰۰/۰	۰۰۰۰۰۰/۰	۴۷۶۴۵۳/۰	۰۰۰۰/۰
M(2,2)	۰۰۰۰۷۲/۰	۰۰۰۰۲۳/۰	۵۳۲۸۲۶/۵	۰۰۰۰/۰
A1(1,1)	۰۹۵۸۳۲/۰	۰۰۰۸۶۷/۰	۳۵۴۶۷۷/۷	۰۰۰۰/۰
A1(1,2)	۰۰۷۴۶/۰	۰۰۱۵۳۴/۰	۷۴۰۰۳۴/۲	۰۰۰۰/۰
A1(2,2)	۰۳۷۴۸۹/۰	۰۰۳۲۴۵/۰	۳۶۴۷۰۴/۷	۰۰۰۰/۰
B1(1,1)	۸۹۷۳۸۹/۰	۰۰۶۴۷۸/۰	۰۹۴۸۷/۵۸	۰۰۰۰/۰
B1(1,2)	۲۳۷۶۷۶/۱	۰۰۳۲۷۶/۰	۶۵۷۸/۶۶	۰۰۰۰/۰
B1(2,2)	۹۸۶۳۲۳/۰	۰۰۵۴۳۴/۰	۴۶۵۷/۷۸	۰۰۰۰/۰

در جدول فوق پارامترهای M ضرایب ثابت، A ضرایب آرچ و B ضرایب گارچ می‌باشند. با توجه به جدول شماره ۴ می‌توان دریافت که در سطح ۵ درصد هر دو سری زمانی از ضرایب آرچ و گارچ گذشته خود تأثیر می‌پذیرند و همچنین هر دو ضریب آرچ و گارچ از سری زمانی ۱ (قیمت دلار) به سری زمانی ۲ (شاخص بورس تهران) معنادار شده و این یعنی سرایت تلاطم از قیمت ارز به شاخص بورس تهران وجود دارد. در این تخمین شاخص بورس تهران، متغیر وابسته و قیمت دلار متغیر مستقل در نظر گرفته شده است.

پس از بررسی و مشاهده وجود سرایت تلاطم از قیمت دلار بر شاخص کل بازار بورس تهران، در این بخش، بازه مذکور به دو بازه زمانی پیش و پس از انتخابات ریاست جمهوری آمریکا و برنده شدن ترامپ در انتخابات، تقسیم شده تا مشخص گردد که آیا این انتخابات و تحولات آمریکا بر بازار بورس تهران، که از مهم‌ترین بازارهای سرمایه است، تأثیر داشته یا خیر. با استفاده از رویکرد تجزیه واریانس به اندازه‌گیری شدت سرایت تلاطم در دو بازه مساوی پیش و پس از پیروزی ترامپ در انتخابات پرداختیم.

## جدول شماره ۵. شدت سرایت تلاطم پیش از پیروزی ترامپ در انتخابات آمریکا

سرایت پذیری از سایرین	قیمت دلار	شاخص کل	متغیر
۹/۶۵	۹/۶۵	۲۸/۹۹	شاخص کل
۰/۰۲	۶۳/۹۹	۰/۰۲	قیمت دلار
۹/۶۷	۹/۶۵	٪۰۲	سرایت به سایرین
٪۲/۶۶	۱۰۹/۲۸	۳۰/۹۹	مجموع سرایت به خود و سایرین

طبق جدول شماره ۵ شدت سرایت تلاطم از قیمت دلار به بازار بورس تهران حدود ۹,۶۵ واحد می باشد و در کل حدود ۳٪ در این دو بازار سرایت تلاطم وجود دارد.

## جدول شماره ۶. شدت سرایت تلاطم پس از پیروزی ترامپ در انتخابات آمریکا

سرایت پذیری از سایرین	قیمت دلار	شاخص کل	متغیر
۲۵/۲۳	۲۵/۲۳	۷۷/۹۵	شاخص کل
۳/۴	۶۵/۹۵	۴/۳	قیمت دلار
۲۷/۵۵	۲۵/۲۳	۴/۳	سرایت به سایرین
٪۸	۱۲۲/۹	۰۷/۱۰۰	مجموع سرایت به خود و سایرین

طبق جدول شماره ۶ شدت سرایت تلاطم از قیمت دلار به بازار بورس تهران حدود ۲۳ واحد می باشد که این عدد نسبت به دوره قبل ۱۳,۶ واحد افزایش داشته و در کل حدود ۶ درصد سرایت تلاطم بین این دو بازار افزایش پیدا کرده و به ۸٪ رسیده است.

نتایج به دست آمده حاکی از آن است که بازار بورس تهران که نماد اصلی بازار سرمایه است، از برخی متغیرها نظیر نرخ ارز تأثیر می پذیرد و نوسانات بازار ارز به بازار سرمایه منتقل می شود. حال این تأثیرات در زمان برخی از بحرانها شدت می یابد و باعث ناآرامی های بیشتری می شود. اندازه گیری شدت سرایت تلاطم در زمان پیروزی ترامپ و

مقایسه آن با زمان قبل از پیروزی، این موضوع را خاطرنشان می‌کند که بازار سرمایه ایران از تحولات سیاسی اثرپذیر است و با توجه به اینکه این اثرپذیری به صورت مستقیم قابل اندازه‌گیری نیست (متغیر خاصی برای نشان دادن تحولات سیاسی وجود ندارد)، ما سعی نمودیم تا در این پژوهش با تقسیم‌بندی زمان به دو بازه قبل و بعد از تحول، این تأثیرپذیری را نشان دهیم.

### نتیجه‌گیری

صادرات و واردات در اقتصاد کشور جمهوری اسلامی ایران نقش بسیار مهمی دارد. بسیاری از کالاها و مواد اولیه مصرفی از واردات تأمین می‌گردند. همچنین پالایشگاه‌ها و شرکت‌های نفتی در صادرات نفت و گاز به صورت فعال عمل می‌کنند. این واردات و صادرات باعث ارتباط گسترده ایران با سایر کشورها گردیده و چون تمامی این تبادلات و معاملات بین‌المللی با واحد پولی دلار صورت می‌گیرد، انتظار می‌رود نوسانات این واحد پولی، به شدت بازار سرمایه را متأثر کند. از سوی دیگر دلار یکی از بازارهای موازی بازار سرمایه در ایران می‌باشد که قاعدتاً بازارهای موازی بر یکدیگر تأثیر گذارند و روند حرکتی یکدیگر را تعیین می‌کنند، لذا می‌توان به دو دلیل قاطع و منطقی انتظار سرایت تلاطم از نوسانات نرخ دلار بر بازار سرمایه داشت، نخست واردات و صادرات و دوم جنبه‌ی سرمایه‌گذاری دلار در ایران.

نتایج آماری بخش اول این پژوهش انتظار بالا را برآورده می‌کند و نشان می‌دهد که سرایت تلاطم از قیمت دلار بر شاخص بورس تهران وجود دارد. با توجه به نتایج جدول ۳ که از مدل همبستگی شرطی پویا استفاده شد تا سرایت تلاطم نشان داده شود، ضرایب آرچ و گارچ در این مدل معنادار بوده و این امر به آن معناست، از متغیر مستقل به متغیر وابسته که در این مقاله به ترتیب قیمت دلار بر شاخص بورس تهران بوده‌اند، سرایت تلاطم وجود دارد.

در قسمت دوم به انتخابات ریاست جمهوری آمریکا و تأثیر آن بر اقتصاد ایران بررسی شد. نتایج نشان داد که شدت سرایت تلاطم از قیمت دلار بر شاخص بورس تهران پیش و

پس از انتخاب شدن دونالد ترامپ به ریاست جمهوری آمریکا متفاوت بوده، این شدت بعد از انتخاب شدن ترامپ به وضوح قابل مشاهده است، خصوصاً که بلافاصله بعد از اعلام ترامپ به عنوان برنده‌ی انتخابات ریاست جمهوری آمریکا، شاهد ریزش شاخص بورس تهران بودیم. مقایسه جداول ۴ و ۵ این موضوع را به خوبی نشان می‌دهند. سرایت تلاطم از قیمت دلار به بورس تهران پیش از پیروزی ترامپ حدود ۹,۶۵ واحد بوده که این عدد بعد از پیروز شدن ترامپ در انتخابات به ۲۳ واحد رسیده است. همچنین درصد سرایت تلاطم در مجموع بین دو سری زمانی قیمت دلار و شاخص بورس تهران حدود ۶٪ افزایش پیدا کرده است. مقایسه دو جدول مذکور نشان می‌دهد که در شاخص بورس تهران تغییر اساسی رخ داده و تلاطم آن به شدت افزایش پیدا کرده و این تلاطم از سری زمانی دیگری که قیمت ارز است، ناشی شده است. با بررسی صورت گرفته می‌توان دریافت که در این بازه تغییر اساسی مدنظر در اقتصاد ایران ناشی از انتخابات آمریکا بوده که موضوع اصلی بحث این نوشتار می‌باشد.

در یک جمع‌بندی کلی این مقاله نشان می‌دهد که گفتگوها و تئوری‌های سیاسی فقط تحلیل و بحث نیستند، بلکه دلیل و مدرک علمی و آماری نیز دارند. سیاستمداران و دولتمردان که از وابستگی نفتی ایران به خوبی آگاهند باید همواره این نتایج را مورد بررسی قرار دهند و تصمیمات درست و به دور از هیجان و تعصب و بر مبنای منطق و علم بگیرند تا شاهد بروز ناهماهنگی‌های عجیب در شاخص‌های اقتصادی مهم کشور نباشیم، چراکه هر زمان اقتصاد کشور تحت تأثیر این ناهماهنگی‌های شدید قرار گیرد، دچار تزلزل و نابسامانی می‌گردد و جبران این‌گونه خسارت‌های ناشی از این نوسانات شدید کاری بسیار دشوار و زمان‌بر است.

علاوه بر آن با پیش‌بینی حرکت سایر بازارها، بخصوص بازار ارز و با در نظر گرفتن تحولات مهم سیاسی، می‌توان تخمین درستی از حرکت بازار سرمایه که از مهم‌ترین بازارهای اقتصادی است، بدست آورد و تصمیم‌های مناسبی جهت پیشبرد اهداف اقتصادی اتخاذ کرد. با توجه به نتایج بدست آمده بر اثر تحولات سیاسی ایران و آمریکا بعد از برجام، می‌توان

گفت در سال ۱۳۹۷ اقتصاد ایران تحت تأثیر تحریم‌های جدید امریکا (بخصوص تحریم نفتی) شدیداً دچار تلاطم شده که سرایت این تلاطم در بخش‌های بازار مالی و بازار سهام بیشتر از سایر بخش‌های دیگر نمایان است.

## منابع:

- ابوالحسن شیرازی، حبیب الله. (۱۳۹۴). «کالبد شناسی مذاکرات هسته‌ای ایران و آمریکا تا حصول برجام و تصویب قطعنامه ۲۲۳۱»، پژوهشنامه روابط بین الملل، سال ۸، شماره ۳۰.
- ابونوری، اسمعیل و عبداللهی، محمدرضا. (۱۳۹۱). «بررسی همبستگی بین بخش‌های مختلف بازار بورس ایران با استفاده از مدل‌های گارچ چندمتغیره»، فصلنامه تحقیقات مالی، سال ۱، شماره ۱۴.
- ایوانز، گراهام و نونام، جفری. (۱۳۸۱). فرهنگ روابط بین‌الملل، ترجمه حمیرا مشیرزاده و حسین شریفی طراز کوهی، تهران: میزان.
- حاجی یوسفی، امیر محمد. (۱۳۷۷). «دولت رانتیر یک بررسی مفهومی»، اطلاعات سیاسی اقتصادی، شماره ۱۲۵ و ۱۲۶.
- حسین خان، مشتاق. (۱۳۸۶). رانت‌ها، رانت‌ها، رانت جویی و توسعه اقتصادی، ترجمه محمد خضری، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- خالدی، سمانه. (۱۳۹۳). «نظریه وابستگی»، پژوهشکده باقرالعلوم، ۲۴ آبان. <http://pajoohe.ir>
- خطیب سمنانی، محمد علی؛ و شجاعی، معصومه و شجاعی خسروشاهی، مسعود. (۱۳۹۳). «بررسی اثرات نوسانات قیمت نفت خام ایران بر شاخص بازدهی بورس اوراق بهادار تهران»، فصلنامه اقتصاد مالی، سال ۸، شماره ۲۹.
- رضوی، حشمت الله. (۱۳۸۰). اوپک و سیاست نفتی جمهوری اسلامی ایران، تهران: انتشارات چاپخش.
- روحانی، حسن. (۱۳۸۹). «سیاست خارجی و آینده نفت و گاز کشور»، فصلنامه بین‌المللی روابط خارجی، سال دوم، شماره ۷.
- دریایی، محمد حسن. (۱۳۹۴). مجموعه اسناد مذاکرات هسته‌ای جمهوری اسلامی ایران با کشورهای ۵+۱، تهران: اداره نشر وزارت امور خارجه.
- دلاورپور اقدم، مصطفی. (۱۳۹۶). فرصت‌ها و چالش‌های پسابرجام، تهران: ابرار معاصر تهران.

- ساجدی، امیر. (۱۳۸۹). «مشکلات و موانع توسعه دموکراسی در خاورمیانه»، فصلنامه مطالعات سیاسی، سال دوم، شماره ۸.
- ساجدی، امیر. (۱۳۹۲). «مشکلات توسعه‌ای کشورهای خلیج فارس با نظام های موروثی»، فصلنامه تخصصی علوم سیاسی، سال ۹، شماره ۲۵.
- ساجدی، امیر. (۱۳۹۷). گندی توسعه خاورمیانه، قم: نسیم کوثر.
- سزاوار، محمدرضا و مقدم، محمدرضا. (۱۳۹۵). «بررسی رابطه همبستگی شرطی بازارهای سرمایه بین‌المللی و بازار نفت با بورس اوراق بهادار تهران»، فصلنامه مطالعات اقتصاد انرژی، دوره ۱۳، شماره ۴۸، بهار.
- سلطانی نژاد، احمد؛ گودرزی، سهیل و نجفی، مصطفی. (۱۳۹۴). «توافق وین: تداوم یا تغییر در دیپلماسی هسته‌ای؟»، پژوهشنامه روابط بین الملل، سال ۸، شماره ۳۱.
- سید حسینی، سید محمد و ابراهیمی، سید بابک. (۱۳۹۲). «بررسی سرایت تلاطم بین بازارهای سهام؛ مطالعه موردی بازار سهام ایران، ترکیه و امارات»، فصلنامه دانش مالی تحلیل اوراق بهادار، سال ۳، شماره ۱۹، پاییز.
- سیف زاده، سید حسین. (۱۳۸۰). اصول روابط بین‌الملل الف و ب، تهران: نشر میزان.
- طیبیان، محمد. (۱۳۷۱). «رانت اقتصادی بعنوان یک مانع اقتصادی»، مجله برنامه و توسعه، شماره ۴.
- فعلی، عاطفه. (۱۳۹۵). بررسی سرریز تلاطم بازده نفت بر بازدهی صنایع منتخب در بازار بورس اوراق بهادار تهران (رویکرد تجزیه واریانس)، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه خوارزمی.
- فلاحی، فیروز؛ حقیقت، جعفر؛ صنوبر، ناصر و جهانگیری، خلیل. (۱۳۹۳). «بررسی همبستگی بین تلاطم بازار سهام، ارز و سکه در ایران با استفاده از مدل DCC-GARCH»، فصلنامه پژوهشنامه اقتصادی، سال ۱۴، شماره ۵۲، بهار.
- فیضی، فاضل. (۱۳۹۳). «بررسی ماهیت و اهداف تحریم‌های سازمان ملل متحد»، فصلنامه مطالعات سیاسی، سال ۷، شماره ۲۵.
- مشیرزاده، حمیرا. (۱۳۸۶). تحول در نظریه روابط بین‌الملل، تهران: سمت.

- میرترابی، سعید. (۱۳۸۷). نفت، سیاست و دموکراسی، بررسی پویش‌های متفاوت نفت و سیاست در کشورهای در حال توسعه، تهران: نشر قومس.
- میرترابی، سعید. (۱۳۹۱). درآمدی بر اقتصاد سیاسی نفت و مسائل نفت ایران، تهران: نشر قومس، چاپ اول.
- نجاتی، غلامرضا. (۱۳۷۱). تاریخ سیاسی بیست و پنج ساله ایران، تهران: رسا.
- نصری، قدیر. (۱۳۸۰). نفت و امنیت ملی، تهران: انتشارات پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- ولی‌زاده، اکبر. (۱۳۹۰). «رهیافت‌ها و نظریه‌های کارایی تحریم در اقتصاد سیاسی بین‌المللی»، فصلنامه سیاست، دوره ۴، شماره ۱.

- Adam, Mohamed Rahim and Masih, Mansur. (August 2014). "Effects of Political Turmoil (Arab Spring) on Portfolio Diversification Benefits: Perspectives of the Moroccan Islamic Stock investors", **MPRA Munich Personal RePEc Archive**. 25.
- Candelaria, Jose Alberto. "A DCC-GARCH analysis of regulatory impacts and nancial contagion in latin American markets derived from two relevant crisis at the dawn of the 21<sup>st</sup> century in the US: the telecommunications bust in 2001 and the great recession in 2007-2009", **Centro de Estudios, Instituto Federal de Telecomunicaciones México, D.F.**
- Janiga-Ćmiel, Anna. (2016). "An analysis of conditional dependencies of covariance matrices for economic processes in selected EU contries", **Folia Oeconomica Stetinensia. DOI: 10.1515/fofi-2016.**
- Kurasawa, Kazutaka. (2016). "policy uncertainty and foreign exchange rates: the DCC-GARCH model of the US / JAPANESE foreign exchange rates", **International Journal of Economic Sciences**, Vol. V, No. 4
- Naoui, Kamel; Liouane, Naoufel and Barhim, Salem. (August 2010). "A Dynamic Conditional Correlation Analysis of Financial Contagion: The Case of the Subprime Credit Crisis", **International Journal of Economics and Finance**, Vol. 2, No. 3.



- [https://howmuch.net/articles/the-world-economy-2017,](https://howmuch.net/articles/the-world-economy-2017)
- <http://databank.worldbank.org/data/download/GDP.pdf>